

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما
Tel:0046720077654

ایسکرا ۶۷۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۱ مه ۲۰۱۳

سرمدییر عبدل کلپریان

"انتخابات ۹۲" آغازگر دشوارترین دوران حکومت اسلامی!



محمدامین کمانجر

شماری می کنند. مردم می دانند که طرح همه جناحهای حکومت و کاز گرفتن از همدیگر تلاشهایی برای بازهم بقا و سرکوب و چپاول آنان است. میدانند که نقطه قوت همه جناحها خفه کردن اعتراضات و بریدن سرانقلاب پیش رو است. بر بستر فقر، فلاکت، بحران سیاسی

صفحه ۲

در آستانه مضحکه انتخابات آنچه که برای مردم جان به لب رسیده مشغله و معضل اصلی است همانا سر نگونی نظام اسلامی است. این حکومت باید برود. اکنون دیگر خیمه شب بازی جناحهای حکومت اسلامی در میان مردم نه تنها رنگ و بویی ندارد بلکه برای انداختنشان لحظه

آیا خسته نشده اید؟! در حاشیه دستگیری فعالین کارگری در سندج



نسان نودینیان

آیا خسته نشده اید؟! این سوالی است که هر سال در روز جهانی کارگر و روز جهانی زن با دستگیری فعالین کارگری و جنبش برابری زن اکثریت قریب به اتفاق مردم در ایران، مطرح میکنند. کدام فعال کارگری است که هر سال توسط نهادهای امنیتی و اطلاعات جمهوری اسلامی دستگیر شده و در زندان نبوده است؟

کودتا در ۸۸ توسط احمدی نژاد کشیده شده است. سرنوشتشان و صفحه ۲

جنگ و دعوایشان از تهدیدهای نماز جمعه و مجلس به علنی کردن "نوار معماری کردن

فراخوان جمعی از کارگران سندج به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

صفحه ۲

زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

اعلام شده بود شورای عالی کار دولت جمهوری اسلامی با تصویب حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی نشان داد که نه تنها انسان بودن و حق ما

صفحه ۴

شرایطی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر میرویم که در آخرین روزهای سال گذشته و در حالیکه سید هزینه یک خانوار چهار نفره یک میلیون و هشتصد هزار تومان

با خواست تجدید نظر فوری در حداقل مزد و در اعتراض به گرانی، مراسم اول ماه مه را برپا خواهیم داشت
امسال ما کارگران ایران در

پیش بسوی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران خبازی های شهر سندج و حومه
سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد

خصلت طبقاتی خود هر ساله و در سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و آن را نماد مبارزات طبقاتی خود قرار می دهند. در این روز

صفحه ۴

شناخته شدن حقوق انسانی خود شدند که متاسفانه آماج تهاجم وحشیانه سرمایه داران و حامیان سرمایه در آمریکا قرار گرفتند. از آن زمان تاکنون کارگران بنا به

یازدهم اردیبهشت مصادف است با اول ماه مه (روز جهانی کارگر)، روزی که کارگران آمریکایی در سال ۱۸۸۶ به پا خواستند و خواهان برسمیت



اطلاعیه شماره ۱۰ کمین دفاع از زنان سرخپوش مریوان
میتینگ شهر سلیمانیه
با حضور صدها نفر برگزار شد.

صفحه ۳

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر
به مناسبت روز جهانی کارگر

صفحه ۸

خلیل کریمی به شعبه چهار دادبازی دادگاه انقلاب سندج منتقل شد

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدل کلپریان / بخش هفتم

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد تهران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۱ آیا خسته نشده اید...

برگزاری مضحکه انتخاباتشان بسمت ناکجا آباد و در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. مفلوک و ترسو تر از هر دوره ای شده اند. و میدانند که اعلام حکومت نظامی در ارتباط با اول ماه مه آبرو ریزی است. اما میدانند که هر درجه گشایش و جلو آمدن نیروی اعتراضات توده ای و جلو آمدن و ابراز وجود علنی کارگران در روز جهانی کارگر و مارش همبستگی جهانی کارگران صحنه سیاسی و رادیکالیسم اعتراضی را گسترده و صاحب افق میکند. سیرک دستگیری های اخیر در بطن این اوضاع معین تکرار میشود. در بازجویی ها از «خلیل کریمی» خودشان اعلام کرده اند: «در حال هماهنگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سنج است» اینکه «از اتحادیه آزاد کارگران استعفا دهد» در بازجویی ها این فعال کارگری «خلیل کریمی» با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و عدم استعفایش از آن، بر حق کارگران جهت برگزاری مراسم اول ماه مه تاکید کرده استقامت و پایبندی بر دستاوردهای اعتراض و تلاشهای بر حق و عدالتخواهانه کارگران به امر خودآگاه کارگران و جامعه تبدیل شده. به گروگان گرفتن کارگران برای ممانعت از برگزاری همبستگی جهانی کارگران در روز کارگر، و عضویت در اتحادیه و تشکلهای

کارگری سناریوی شکسته خورده و وامانده رژیم جنایتکار اسلامی و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی آنهاست.

جنبش کارگری و فعالین کارگری این جنبش و کارگران زندانی در حمایت و پشتیبانی افکار عمومی، ده ها اتحادیه قدرتمند کارگری با میلیونها عضو، نهادهای انساندوست و خیل عظیم شاعر و نویسنده گان مترقی، قرار دارد. این جنبش با فعالیتهای سازمانهای چپ و کمونیست لانس می شود. اخبار و اعتراضات آنها در سریعترین زمان ممکن به گوش جهانیان میرسد و در آستانه اول ماه مه در ده ها مارش همبستگی روز جهانی کارگر مورد حمایت قرار میگیرد. این جنبش امروز به امر جهانی بودن منافع طبقاتی اش در ایران تحت حاکمیت نظام استبدادی و دیکتاتوری ایزوله نیست هر اقدام و دستگیری و تحت فشار قرار دادن کارگران فعال، رهبران کارگری با انعکاس بین المللی و سپس حمایت از آنها در موقعیت تعرضی و زنده ای قرار دارد.

۲ «رفقای کارگر!»

روز جهانی همبستگی کارگران جهان را بشما تبریک میگویم. امروز در شرایطی روز جهانی کارگران را برپا میکنید که اوضاع پر التهاب سیاسی در ایران و در منطقه خاورمیانه بر ضرورت دخالت

فراخوان جمعی از کارگران سنج به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

کارگران، زنان و مردان زحمتکش!

روز اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، روز اعلام نارضایتی به شرایط بیکاری، فقر و گرانی و مشکلات اجتماعی است. در این روز تمام کارگران در سرتاسر دنیا دست از کار کشیده و به خیابانها می آیند و خواست و مطالبات خود را فریاد میزنند. ما کارگران سنج نیز همدوش و همگام با هم طبقه ای هایمان در روز جهانی کارگر، چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت راس ساعت ۷ عصر در خیابان فردوسی نبش ناصر خسرو حضور بهم می رسانیم!

جمعی از کارگران سنج
۱۰ اردیبهشت ۹۲

آگاهانه شما در تعیین سرنوشت جامعه، نیاز مبرم و فوری پیدا کرده است. اگر که امسال کارگران ایران با تمرکز بالایی و با برابری اعتصاب، تجمع و جمع آوری طومار و ده ها فعالیت دیگر در تلاش روزانه برای افزایش دستمزدها هستند، و این عرصه از مبارزه که به هست و نیست و بقا زندگی میلیونها کارگر و مزدبگیران جامعه گره زده شده است، همچنان ادامه دارد. و هر اندازه پیروزی و بعقب راندن این میزان از حداقل دستمزدها به توانایی و قدرت همبستگی و اعتماد به خود و اعتراضات تانکونی میفزاید، با تمام این مهم ها مبارزه در این عرصه، اما راه مهم و جدی تر و انتخاب مهم و جدی تری در مقابل شما قرار گرفته است. جنبش کارگری و کارگران فعال و رهبران کارگری باید در متن اوضاع سیاسی کنونی نظاره گر نباشند. در شهرهای کردستان ایران به یمن حضور فعال صدها فعال کارگری در عرصه جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان و مردان و حقوق کودک، و به یمن همبستگی و ارتباط با سایر بخشهای کارگری در سطح سراسری به شخصیت های شناخته شده و محبوبی تبدیل شده اند. فعالین کارگری در سنگر دفاع از عدالتخواهی و تامین زندگی بهتر و با مطالبات رادیکال منافع طبقاتی و فوری اکثریت مردم را نمایندگی کرده اند. اکنون وقت آن رسیده است که بر ایجاد تشکل کارگران در اشکال کارخانه ای، سراسری و اتکار بر مجمع عمومی پایبندی کنید. نقطه قدرت جنبش ما در مقابل استبداد سیاسی و نظام کثیف جمهوری اسلامی در وجود صدها نفر از کارگران مدافع یک دنیای بهتر، زنان برابری طلب، معلمان و پرستاران عدالتخواه و هزاران انسان جوان مدافع حقوق کودک، است. اوضاع سیاسی کنونی بطور ایزوتیو و عاجلی شما را فرا میخواند در سرنوشت سیاسی - طبقاتی جامعه دخالت کنید. و مهر انسانی و سوسیالیستی را بر تحولات کنونی بزنید. دنیای مدرن و بشریت آگاه با شماست!

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

۳۰ آپریل ۲۰۱۳

nassannodini@vahoo.de

از صفحه ۱ "انتخابات ۹۲" آغاز گر...

اقتصادی و پته فساد و دزدیهای همبگیر را روی آب انداختن، مضحکه انتخاباتی شان می تواند آخرین پرده نمایش انتخاباتی این جانوران باشد.

مردم دیگر جان به لبشان رسیده است. می گویند بالاخره خون پاشیدن به روی جامعه ای هفتاد میلیونی تا کی؟ دیگر بس است. ۳۴ سال حکومت جنایت، دزدی، قتل، زندان، شکنجه و فقر و فلاکت مذهبی دیگر بس است. ۳۴ سال اختناق، بی حقوقی مطلق، زن ستیزی، شلاق و حجاب اجباری و ۳۴ سال کار اجباری، نماز و روزه و به مسجد رفتن اجباری، گوش کردن به اذان و پای منبر رفتن اجباری، گوش دادن به اراجیف عقب ماده در مدارس و دانشگاهها، داستان شتر و خر

دجال را شنیدن دیگر بس است. این "انتخابات" فرصتی است برای در هم کوبیدن و جارو کردن تمام این زندگی جهنمی. در رقابتهای شعبده بازی انتخاباتی رویدادهای زیادی در پیش است و فاکتورهای زیادی به نفع مردم عمل می کند. فرصتی ایجاد می شود که باید از آن استفاده کرد. از جمله تجمع وسیع و هزاران نفر جوانان در مراکز همه شهرها بخصوص تهران. کارگران، جوانان، زنان و همه بخشهای مختلف جامعه می توانند دست در دست هم خود را سازمان دهند، قول و قرارها بگذارند. و یکصدا بگویند همه این داروخته ها باید بروند. اوضاع بشدت بحرانی است و فضا را باید بدست گرفت و آن را به نفع خود به حرکت در آورد و به حرکتی میلیونی تبدیل کرد و برای پایان دادن به این سیاه روزی دست بکار شد.

سخنان و اظهارات مسئولان ریزو درشت دولتی و رسانه هایشان بیانگر ترس و وحشت از اعتراض و قدرت مردم است. سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در رابطه با انتخابات وحشت زده واقعیات را بیان و حرف دل همه شان را زده است. می گوید: "انتخابات ۹۲ از هر مانور نظامی مهم تر است. این

یعنی ترس، این یعنی وحشت از انقلاب مردم، ترسی که حلقومشان را می فشارد چون این بار به طور عریان کل نظام و تمامی باندها و داروخته ها از خامنه ای و احمدی نژاد گرفته تا میراث داران دوران طلایی امام همگی مورد آماج مستقیم حملات مردم است.

برای سرنگونی و دفع این هیولای آدمخوار باید در تمام شهرهای ایران در سطح میلیونی مردم بیرون بیایند و کار این نظام را یکسره کنند. این حکومت به آخر خط رسیده است. آزادی مردم، برابری و رفاه مردم مستلزم سرنگونی این نظام آدمخوار اسلامی است.

چکار باید کرد!

کارگران، دانشجویان، معلمان، پرستاران، جوانان مبارز و انقلابی، هر چند مدت یکبار چنین فرصتی دست می دهد. هنر رهبران انقلابی در این لحظه ها و در این فرصتها باید به ثمر بنشیند. در این روزها آنچه بر عهده یک نیروی فعال و یک رهبر فعال است تنها آموزش نیست، بلکه سازماندهی، متحد، متشکل و هماهنگ کردن مبارزات مردم و دادن افق روشن به آن است. باید کاری کرد که تجمع ها حرکتی سراسری و فراگیر ایجاد کند. این روزها آگاهانه می توان تجمع کرد. روزهایی که هر چه نزدیکتر می شود سران و سرداران اسلامی قاتل بی قرارتر و وحشت زده تر می شوند و کابوس آن را می بینند. لازم است رهبران کارگری، رهبران عملی و اعتراضی سایر بخشهای دیگر، جامعه را متحول بکنند. بی وقفه در جهت متشکل کردن و سازماندهی این نیروی میلیونی باید تلاش کرد، متحدین و نزدیکان خود را بشناسید. پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را بدست گیرید و جامعه را دگرگون کنید. کار این نظام کثیف و ضد بشری را می توان و باید یک بار برای همیشه یکسره کرد.

۲۵ آوریل ۲۰۱۳

اطلاعیه شماره ۱۰ کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان میتینگ شهر سلیمانیه با حضور صدها نفر برگزار شد.



برای برگزاری این میتینگ چندین سازمان مدافع حقوق زن و فعالین مدنی و اجتماعی و مدافعین حقوق انسانی قبلا جلسات مشترکی برگزار کرده و کمپینی در دفاع از زنان مریوان اعلام کرده بودند. این جمع فراخوان به یک میتینگ اعتراضی در مرکز شهر سلیمانیه داد و امروز پنج شنبه از ساعت سه بعد از ظهر این میتینگ با حضور بیش از ۴۰۰ نفر برگزار شد. اکثریت حاضرین در این میتینگ را زنان تشکیل میدادند. پیام ها نیز اساسا از سوی فعالین مدافع حقوق زن و سازمانهای مدافع حقوق زنان بود. همچنین فعالین سیاسی، شاعران و نویسندگان و وبلاگ نویسان سرشناس در این میتینگ حضور داشتند. پیام مینا احدی در این میتینگ قرائت شد.

از جمله سخنرانان این مراسم "هاله محمد"، "قریبا محمدی" و "کویستان فتوحی" بودند که پیام هایی در حمایت از اعتراض زنان مریوانی و همچنین حمایت از حرکت های اعتراضی صورت گرفته خواندند.

در بخشی از این برنامه فرزانه آزاد از برگزار کنندگان این برنامه به معرفی مینا احدی پرداخت و گفت: زن مبارز و انقلابی و فعال سیاسی در رابطه با زندانیان سیاسی و علیه اعدام خانم مینا احدی پیامی ارسال کرده است که به اطلاع میرسانیم.

العملی نباشد.

اما اینجا میخواهم به یک نکته مهم تاکید کنم، شما بعنوان سازمانها و مردمی که همواره علیه اعدامها در ایران اعتراض کرده اید، میدانید که مریوان شهری است که در اعتراض به احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی، اعتصاب عمومی کرد و مردم بشدت نگران وضعیت این دو جوان دریند هستند و خواهان لغو احکام اعدام این دو جوان و آزادی آنها هستند. بنظر من حکومت اسلامی با این کار یعنی گرداندن یک جوان با لباس زنانه در شهر میخواست اوضاع را در این شهر بسنجد. پس برای من بعنوان مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و کسی که برای نجات جان زانیار و لقمان فعالیت میکنم، بسیار مهم است بگویم که این اعتراضات در مریوان و در دنیا از این زاویه نیز هم برای من وهم برای خانواده این دو جوان مهم است. ما باید اعتراض کنیم و به حکومت اسلامی نشان دهیم که نمیگذاریم به زنان توهین کند، نمیگذاریم جوانان را تحقیر کند و نمیگذاریم زمینه سازی کنند برای اجرای حکم اعدام زانیار و لقمان.

من یکبار دیگر بسهم خودم از حمایت ها و مبارزات گسترده شما مردم آزاده سلیمانیه و سازمانهای مدافع حقوق زنان و علیه اعدام در کردستان عراق، علیه اعدامها در ایران و در دفاع از حقوق و حرمت زنان، تشکر میکنم و از همه شما مجددا درخواست دارم که به این اعتراضات مهم ادامه دهید. زنده باد همبستگی بین المللی علیه حکومت جنایتکار و ضد زن اسلامی

زنده باد برابری زن و مرد
۲۴ آوریل ۲۰۱۳

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان از همگان دعوت میکند که روز شنبه ۲۷ ماه آوریل در هر جایی که امکانش را دارند با برگزاری میتینگ و مراسم از زنان و مردم مریوان و از این حرکت اعتراضی گسترده که علیه توهین و و تحقیر زنان، به راه افتاده حمایت کنند.

کمپین دفاع از زنان
سرخپوش مریوان
فتنه - جنبش برای رهایی زنان
۲۴ آوریل ۲۰۱۳

خلیل کریمی به شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنج منتقل شد



بنا به خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران خلیل کریمی از اعضای هیئت مدیره این اتحادیه روز یکشنبه هشتم اردیبهشت ماه از سوی ماموران امنیتی در این اداره مورد بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی ها مامورین امنیتی با اعلام اینسکه وی در حال هماهنگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سنج است، تلاش کردند با وارد کردن اتهامات واهی به او و غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران خلیل کریمی را وادار به استعفا از اتحادیه بنمایند. اما خلیل با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و عدم استعفایش از آن، بر حق کارگران جهت برگزاری مراسم اول ماه مه تاکید کرد.

بعد از این بازجویی ها و تشکیل پرونده خلیل کریمی ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز یکشنبه توسط مامورین امنیتی به شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنج منتقل و همانجا پرونده ای برایش تشکیل شد و در ادامه به ایشان ابلاغ گردید فردا راس ساعت ۹ صبح جهت محاکمه در این شعبه دادگاه حاضر شود و قرار است ۲۰ ساعت پس از تشکیل پرونده مورد محاکمه قرار گیرد.

نهادهای حکومت اسلامی در سنج در ادامه موج بازداشت و دستگیری فعالین کارگری همچنان می کوشند با پرونده

سازی و وارد نمودن اتهامات واهی و بی اساس علیه فعالین کارگری، کارگران را از داشتن تشکل، عضویت در آن و دفاع از حق و حقوق کارگران محروم کرده و مانع گسترش اعتراضات کارگری علیه شرایط سخت زندگی، شغلی و وضعیت معیشتی آنها شوند. داشتن تشکل کارگری مستقل از دولت، عضویت در آن، اعتراض به وضعیت فلاکتباری که حکومت اسلامی به کارگران و اکثریت جامعه تحمیل کرده است و سازماندهی و شرکت در مراسمهای اول ماه مه حق بی چون و چرای کارگران است. اول ماه مه روزی است که در کنار طرح دهها خواست و مطالبه برحق کارگران و کل مردم ستمدیده جامعه، باید جمهوری اسلامی را ناچار کرد به قرار تعقیب قضایی و زندان علیه فعالین کارگری و دیگر فعالین سیاسی خاتمه دهد. باید برای آزادی همه کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان به میدان آمد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ اردیبهشت ۹۲
۲۸ آوریل ۲۰۱۳

توجه توجه

برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید

مجری برنامه: پدی محمودی

این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۳:۳۰ تا ۷:۳۰ شب به وقت ایران و ۴ تا ۵ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود

مشخصات ماهواره: KURD KANNEL
هات برد ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی
ان ای سی ۵/۶
سیگنال ریت ۲۷۵۰۰

از صفحه ۱ بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران ...



کارگران برای برخورداری از یک زندگی انسانی برایشان هیچ معنایی ندارد بلکه در صدد آن هستند تا بی رحمانه تراز هر زمانی کل هزینه های بن بست اقتصادی موجود را که خود مسبب آن بوده اند بر دوش ما کارگران سر ریز کنند و با چپاول بیش از پیش سفره های خالی میلیونها خانواده کارگری، اقتصاد بحران زده موجود را در راستای تامین منافع اقلیتی ناچیز سر پا نگاه دارند.

از سال گذشته به این سو، ماه و فصلی در این مملکت نبوده است که هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا نکرده باشد، با اینحال هنوز چند صباحی از آغاز سال جدید نگذشته است که بار دیگر قیمت گوشت و برخی دیگر از اقلام غذایی سر به فلک کشید و از هم اکنون طرح مربوط به افزایش قیمت نان و حاملهای انرژی و حذف ارز مرجع برای کالاهای وارداتی سرآغاز دیگری از چندین برابر شدن هزینه های زندگی را در طول هفته ها و ماههای آینده کلید زد.

دولت همیشه و در هر حالی بهای هر کالایی را که اختیار قیمت گذاری آن بدست اش بوده است افزایش داده است و به تبع آن بخش خصوصی و صاحبان سرمایه نیز قیمت کالاها و خدمات تولیدی شان را بالا برده اند. اما زمانی که نوبت به زندگی و بقا ما کارگران در این مملکت رسیده است دولت نه تنها هیچ مسئولیتی برای تامین معاش میلیونها خانواده کارگری برای خود قائل نشده است بلکه با هر آنچه که در ید قدرتش بوده، تلاش نموده است تا هزینه های بحران اقتصادی موجود را از کرده ما کارگران بیرون کشد، بطوریکه دولت خود راسا با اخذ ارزش افزوده شش درصدی از هر آن چیزی که با حداقل مزد کنونی بر سر سفره های خالی کارگران قرار میگيرد هر روزه مشغول چپاول و غارت از این حداقل مزد ناچیز و خفت بار ما کارگران است.

اینان خود بیش از همه ما کارگران و مردم ایران میدانند که

حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی معادل اجاره بهای آلودگی در فقیر نشین ترین محلات مراکز استانها در سراسر کشور نیز نیست اما با عوامفریبانه ترین اشکالی، قانونی را که خود وضع کرده اند و می باید بر اساس آن حداقل مزد کارگران را تعیین کنند زیر پا میگذارند و آنجا نیز که ما کارگران دست به اعتراض میزنیم و همچون کارگران سرتاسر جهان در صدد بر پایی تجمعات خیابانی در اعتراض به وضعیت مصیبت بارمان بر می آئیم، قانون و هزار و یک مصلحت دیگر را پیش میکشند تا ما کارگران به هر درجه از فقر و گرسنگی که منافع شان ایجاب میکند تن در دهیم.

اما برای ما کارگران هیچ مصلحتی بالاتر از تامین معیشت مان که عین شرافت مان است وجود ندارد. ما در سال گذشته با جمع آوری طوماری اعتراضی در سطحی سراسری نشان دادیم که میتوانیم دست در دست هم نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نشان دادیم که دیگر تحمل وضعیت موجود را نداریم، نشان دادیم کاسه صبرمان لبریز شده است و دیگر حاضر نیستیم بیش از آنچه که تاکنون تن به فقر و فلاکت سپرده ایم نظاره گر تباهی زندگی خود و خانواده هایمان شویم.

بدون ذره ای تردید شرایط حاضر یکی از مصیبت بارترین شرایطی است که ما کارگران ایران بطور بی سابقه ای در طی سی سال گذشته با آن مواجه بوده ایم. شیرازه های هیچ جامعه ای در هیچ جای دنیا بر روی پایه ای که امروزه ما کارگران و مردم ایران به لحاظ معیشتی بر روی آن قرار گرفته ایم قابل دوام نیست، اینرا باید دولت و دست اندکاران حکومتی بدانند و نیز بدانند که دیگر ذره ای تحمل برای ما کارگران جهت تداوم وضعیت مشقت بار کنونی باقی نمانده است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور! اینک اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است. این روز یک روز بسیار مهم و سرنوشت ساز برای ما

کارگران که اکثریت جامعه بشری را تشکیل می دهند، علیه تمامی نابرابری های اجتماعی هم صدا با هم فریاد می زنند و خواهان بر افتادن استعمار انسان از انسان هستند. کارگرانی که برای زنده ماندن چیزی جز فروش نیروی کارشان را در قبال اندک مزدی ندارند، در حالی که تمامی ثروت و سامان این کره خاکی را تولید می کنند در شرایط بس اسفباری بسر می برند. امسال ما کارگران ایران نیز در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می رویم که تورم، بیکاری، اخراج سازی های گسترده، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و دهها و صدها معضل دیگر زندگی کارگران و خانواده هایشان را به ورطه سراسیمه انداخته است و روز به روز نیز این فشارها افزایش می آید.

کارگران!!

همبستگی کارگری، ضرورتی است برخاسته از هستی و موجودیت طبقاتی کارگران، چرا که کارگران در سراسر جهان تحت ستم واحدی قرار دارند، توسط طبقه واحدی استثمار می شوند و اهداف و منافع آنها در سراسر جهان مشترک اند همان گونه که منافع سرمایه داری در سراسر جهان در هم تنیده شده و سرمایه داری جهانی با اینکه فرهنگ ها، زبان ها و ملیت های متفاوت دارند، هیچ گاه منافع مشترک شان را فراموش نمی کنند و خود را یک خانواده بزرگ می دانند و برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و پایمالی حقوق آنها و برای اینکه منافع خود را در مقابل هم نبینند سازمان ها و نهادهای تجارت جهانی درست می کنند. به همین

کارگران است. این روز، روز به خیابان آمدن و اعتراض کارگران در سرتاسر جهان به بی عدالتی و نابرابری است. ما نیز در ایران، باید و حق داریم همچون کارگران سرتاسر جهان در این روز به خیابانها بیاییم و نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نمیشود که هر روزه هم هزینه های زندگی چندین برابر شود و هم با تعیین حداقل مزدی

سندیکای کارگران خبازی ها ...

از صفحه ۱

خاطر ما کارگران خباز در سنندج و مریوان در راستای همبستگی و اتحاد طبقاتی خود امسال طی بیانیه ای مشترک ضمن تبریک این روز به آحاد مردم زحمتکش؛ نسبت به معیشت اسفبار و غیر انسانی کارگران بطور عام و کارگران خباز بطور اخص معترض بوده و خواهان احقاق مطالبات خود هستیم.

۱. برسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی در ایران و برپایی مراسم های این روز بطور مستقل.

۲. ما کارگران خباز، تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومان برای کارگران را توهین به شان کارگران می دانیم و خواهان لغو جلسات سه جانبه برای تعیین حداقل دستمزدها هستیم.

۳. ما کارگران خباز افزایش دستمزدهای خود را براساس گران شدن قیمت نان غیر قانونی دانسته و خواستار احتساب دستمزدهای خود بر اساس تورم واقعی در کشور می باشیم.

۴. ما خواهان اجرایی کردن کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور، برای کلیه کارگران شاغل در این صنف می باشیم و خواستار آن هستیم تا کارگران خباز از بازنشستگی پیش از موعد بهره مند گردند.

۵. ما خواهان امنیت شغلی کارگران در کارگاههای زیر پنج نفر می باشیم.

۶. ما کارگران خباز لایحه اصلاحیه قانون کار را حمله ای آشکار به معیشت کارگران می دانیم و خواستار عدم اجرای این لایحه هستیم.

۷. ما کارگران خباز تشکل های مستقل کارگری را حق قانونی خود می دانیم و خواستار برسمیت شناخته شدن تشکلات مستقل کارگری از طرف دولت هستیم.

۸. ما کارگران خباز هر گونه اهانت به کرامت انسان علی الخصوص زنان را در جامعه محکوم می کنیم و خواستار احتساب حقوق متساوی برای زن و مرد در جامعه هستیم.

۹. ما ضمن محکوم کردن کار کودکان خواهان برچیده شدن این عمل غیر انسانی در اجتماع هستیم.

۱۰. مدیریت درمان تامین اجتماعی استان به وعده خود وفا کند و درمانگاهی که قرار بود برای ۱۳ هزار بیمه شده اصلی شهرستانهای مریوان و سروآباد احداث کند را عملی کند.

زنده باد روز همبستگی
طبقاتی کارگران

سندیکای کارگران خبازی های
شهر سنندج و حومه

سندیکای کارگران خبازی های
مریوان و سروآباد

ما کارگران ایران چنین روزی خواهد بود، روز اعتراض به تورم و گرانی و روز اعتراض به حداقل مزد مصوب با خواست تجدید نظر فوری در آن.

زنده باد اول ماه مه - زنده باد همبستگی و اتحاد سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران
هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

معادل سه چهار برابر زیر خط فقر، گرسنگی بیش از پیشی را بر ما تحمیل کنند و هم سکوت و خاموشی را. ما این سکوت را در سال گذشته با طوماری سی هزار نفری و بر پایی تجمعاتی اعتراضی در هم شکستیم و به یقین اینک نیز قادریم در دفاع از زندگی و شرافت مان دست به اعتراضات گسترده تری بزنیم. اول ماه مه امسال برای

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



انتشار نگاه هفته، مصادف است با روز جهانی کارگر. سنتا در شهرهای کردستان کارگران با صدور اطلاعیه و قطعنامه به استقبال اول ماه مه میروند. در بیشتر شهرها مراسم همبستگی کارگران برگزار میشود. اتحادیه آزاد کارگران ایران، و چند تشکل دیگر و از جمله سنیکاهای خباز شهر سنندج و مریوان و سروآباد در ارتباط با اول ماه مه اطلاعیه و فراخوان به شرکت در مارش روز جهانی کارگر را منتشر کرده اند.

زنان سرخ پوش مریوان در دو هفته گذشته مورد توجه جامعه، میدیا و با ابعادی سراسری در داخل و خارج از کشور قرار گرفت. اقدام اعتراضی و رادیکال زنان مریوان علیه "اقدامات" نیروهای امنیتی رژیم جنایتکار اسلامی در مورد فردی که "مجرم" شناخته شده بود، و با به تن کردن این "مجرم" با لباس زنان و نمایش در خیابانهای شهر مریوان موج اعتراض به این اقدامات را دامن زد. تعدادی از زنان رادیکال مریوان با اقدامی انقلابی و با لباس های سرخ تنفر علنی خود را از این اقدام توهین آمیز به زنان به نمایش گذاشتند. درسهای اقدام انقلابی زنان سرخ پوش مریوان در نوع خود قابل بررسی های همه جانبه است. اولین اطلاعیه زنان سرخ پوش مریوان کيفرخواست و بیانیه تاریخی جنبش برابری زنان است این بیانیه اعلام کرده است: "حکم این است: برای هتک حرمت متهمی، او را لباس زنانه برتن پوشانیدند و در شهر گردانیدند تا مایه عبرت شود. کسی نپرسید او کیست. جایگاهش کجاست. در کدام خانواده با کدام آموزش و تربیت و در چه شرایط اقتصادی - اجتماعی و یا رفاهی و تفریحی رشد کرده و شخصیتش شکل گرفت و وارد اجتماع شد لباس زنانه برتنش کردند و اینطور تمام ارزشها و کرامات انسانی را به یکباره پایمال کردند". این صدای اعتراض رادیکال با خصلت سیاسی

و مبارزاتی بر متن جنبش برابری زنان بیرون آمده است. انقلاب آتی در ایران بر پایه های این رادیکالیسم سیاسی و اعتراضی میتواند بر هر نوع آثار زن ستیزی، مردسالارانه و خرافات مذهبی پایان دهد و در بخش پایانی این اطلاعیه چنین آمده است: در جریان اعتراضات اخیر جمعی با مخدوش کردن این مبارزات کوشیدند تا مثلاً در دفاع از مسئله حقوق زن، مقولات قوم گرایانه و ارتجاعی را به رخ جامعه بکشند که عذری بدتر از گناه است خواستند اصل را که هتک حرمت به انسان بود حاشیه ای کنند که از آب گل آلود ماهی ای گرفته باشند با علم کردن نوع لباس، مسئله اصلی توهین به زن را منحرف کرده و تقلیل دهند. نباید اجازه داد دفاع از کرامت و حقوق برابر زنان و مردان دست مایه ای برای ارتجاع مردسالارانه و ناسیونالیستی شود".

پایفشاری بر «اصالت حرمت انسان و حقوق برابر زنان و مردان» تابلوی این جنبش سد محکمی است در مقابل هر نوع گرایش ناسیونالیستی!

کارگری:

مراسم اول ماه مه در سلیمانیه

سلیمانیه: کمیته برگزاری اول ماه مه شهر سلیمانیه واقع در کردستان عراق طی بیانیه ای همه کارگران و زحمتکشان و مردم این شهر و حومه را به شرکت در مراسم روز جهانی کارگر دعوت نمود. کمیته برگزاری اول ماه مه شهر سلیمانیه ضمن اینکه از کارگران دعوت به عمل آورده تا به شیوه ای گسترده در این مراسم شرکت نمایند، به اطلاع رسانده است که این مراسم ساعت ۴ عصر در "میدان کارگر" نزدیک "پاساژ کاسامول" در مرکز شهر سلیمانیه برگزار خواهد شد. روز یکشنبه "کمیته برگزاری اول ماه مه در سلیمانیه" مراسم روز جهانی قربانیان محیط کار را با شرکت دهها فعال کارگری در "پروژه شهر

مادر" در سلیمانیه گرامی داشت. این مراسم که در محل جانبختن سه کارگر به رغم مخالفت صاحب پروژه برگزار شد با سخنان یکی از اعضای کمیته برگزاری اول ماه مه آغاز گردید. سپس یکی دیگر از شرکت کنندگان با ارائه گزارشی به آمار کارگران قربانی در محیط کار در کردستان اشاره نمود. این مراسم با اهدای دسته گل و ارج نهادن کارگران به قربانیان محیط کار به پایان رسید.

خلیل کریمی در شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنندج مورد محاکمه قرار گرفت

خلیل کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال احضار به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج در روز ۷ اردیبهشت ماه، صبح دیروز ۸ اردیبهشت در این اداره حاضر شد و پس از یک بازجویی ۴ ساعته توسط تعدادی از بازجویان این اداره، به دادیاری شعبه چهار دادگاه انقلاب منتقل و در آنجا پس از تشکیل پرونده آزاد گردید. وی صبح امروز بر اساس حکم قاضی دادگاه بار دیگر در اداره اطلاعات سنندج حاضر شد و با همراهی مامورین این اداره ساعت ۹ صبح در شعبه ۴ دادیاری دادگاه انقلاب سنندج مورد محاکمه قرار گرفت. در این محاکمه که بیش از یک ساعت ادامه داشت قاضی دادگاه با هشدار به خلیل کریمی مبنی بر اینکه وی در صدد هماهنگی با دیگر کارگران جهت برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سنندج است، اتهامات واهی را که بازجویان ستاد خبری بر خلیل وارد کرده بودند تکرار نمود و بارها وی را مورد تهدید قرار داد و با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگر ایران از خلیل کریمی خواست تا از این اتحادیه استعفا دهد اما خلیل با قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران بر حقانیت فعالیتش صنفی خود تاکید گذاشت و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را جزو حقوق مسلم کارگران خواند و قاضی نیز در پایان این دادگاه اظهار داشت: برو، پرونده ات را نمی بندم این پرونده نزد من باز است و منتظر مشاهده فعالیتت از جانب شما هستم تا حکم ۵ سال زندان را برایت صادر کنم. احضار، بازجویی، تشکیل پرونده و محاکمه کارگری

معترض در مدت ۲۴ در مملکتی که هزاران پرونده فساد مالی و دیگر ناهنجاریهای اجتماعی در قوه قضائیه در نوبت خوابیده است گویای هیچ چیز الا دشمنی آشکار و ستیزه جویانه ای با کارگران معترض و مطالبات بر حق میلیونها کارگر در این مملکت نیست. اما و بدون تردید این ستیزه جویی ها و احضار و بازداشت رهبران کارگری نه تنها قادر نخواهد شد سکوت و خاموشی را بر میلیونها کارگر در ایران تحمیل کند بلکه هر روزه بر عمق و دامنه مطالبات کارگران و نفرت و انزجار آنان از وضعیت موجود خواهد افزود. اتحادیه آزاد کارگران ایران - نهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

سنندج:

در آستانه روز جهانی کارگر نهادهای امنیتی رژیم در سنندج با احضار و هشدار به فعالین کارگری این شهر از آنان خواسته اند در مراسم اول ماه مه شرکت نکنند. روز دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه مقامات اداره اطلاعات رژیم در سنندج فعال کارگری "فردین میرکی" را احضار کرده و از وی خواسته اند در مراسم روز جهانی کارگر شرکت نکنند. همچنین فعالین کارگری "کوروش یخشنده، خالد حسینی و وفا قادری" نیز طی تماسی تلفنی از سوی اداره اطلاعات رژیم از آنان خواسته شده در مراسم اول ماه مه شرکت نکنند. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم طی روزهای اخیر با مراجعه به منازل فعالین کارگری در سنندج آنان را تهدید به عدم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر می کنند.

تماس مقام دادستانی با همسر بهنام ابراهیم زاده

۹ اردیبهشت: دوستان و یاران بهنام ابراهیم زده، امروز دوشنبه نهم اردیبهشت نیما ابراهیم زاده باردیگر شیمی درمانی میگردند؛ و تزریق خون شد. نیما ابراهیم زاده همچنان در پی وخامت حالش در بیمارستان محک کودکان بستری است. نیما امروز پس از تزریق خون شیمی درمانی شد. بعد از ظهر هم پرتو درمانی شد. بعد از پرتو درمانی نیما به بخش شیمی درمانی برگردانده شد تا برای بار دوم به بدن نحیفش خون تزریق کنند. نیما میل به خوردن و آشامیدن

ندارد. نیما حالت تهوع و سرگیجه دارد و از ناراحتی های متعددی رنج میبرد پزشکان بهبودی نیما را نامشخص و غیرقابل پیش بینی می دانند. امروز مقام دادستانی با همسر بهنام ابراهیم زاده که در بیمارستان به عنوان همراه فرزندش مراقب اوست تماس تلفنی داشته اند و تاکید کرده اند که باید سه شنبه فردا بهنام ابراهیم زاده به دادستانی مراجعه کند. این تماس در حضور نیما در بیمارستان صورت گرفته است و به همین منظور نیما از آن لحظه به شدت وایت و پلاکت های بدنش افت کرده و واپسین آمده است. پزشکان بیمارستان محک همچنان تاکید دارند حضور بهنام در کنار فرزند بیمارشار

برای بهبود نیما به طور جد می تواند مشمر ثمر باشد. پزشکان معتقدند از آنجا که نیما در سن بلوغ قرار دارد و دچار بحرانهای ناشی از این سن خاص است دوری از پدر نیز همه مشکلات فوق را تشدید می کند. باتوجه به اینکه هر لحظه امکان دارد بهنام ابراهیم زاده را که تنها فرزندش در بستر بیماری است به زندان برگردانند، لازم و ضروری است نهادها و سازمانهای حقوق بشری و انساندوست احزاب و گروهها ی مترقی و انساندوست نسبت به برگرداندن بهنام به زندان بی تفاوت نباشند و خواهان آزادی بی قید و شرط این فعال کارگری و کودک باشند. همچنین جامعه جهانی باید از هر طریق ممکن این خانواده را که محمل هزینهای سنگینی شده اند حمایت کنند. خانواده بهنام ابراهیم زاده شایسته بیشترین حمایتها می باشند

اخراج ۷ کارگر کارگاه قندسازی در سنندج

به گزارش دریافتی امروز دوشنبه مورخ ۹ اردیبهشت کارگران اخراج شده از کارگاه قند سازی که در شهرک صنعتی شماره یک سنندج مستقر می باشد در اعتراض به اخراج خود به اداره کار مراجعه و خواهان بازگشت به کار شدند. لازم به ذکر است که این کارگاه قند سازی دارای ۹ نفر کارگر بود که هر کدام از آنها از ۴ تا ۱۴ سال سابقه کار داشتند، تقریباً نیمه تعطیل می باشد. کارفرما دلیل اخراج این کارگران را گرانی مواد اولیه اعلام

از صفحه 5 نگاه هفته

کرده است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

افزایش دستمزد کارگران آهن آلات فروش های شهر سنندج

۳ رديبهشت: بر اساس گزارش رسیده کارگران آهن آلات فروشی های سطح شهر سنندج پس از اینکه با گذشت يك ماه از سال جدید دستمزدهایشان افزایش نیافته بود، طی فراخوانی از دیگر کارگران شاغل در آهن آلات فروشی ها خواسته بودند در اعتراض به ثابت ماندن دستمزدهای خود نسبت به سال ۹۱ در روز شنبه مورخ ۳۱/۱/۹۲ در مقابل اتحادیه آهن فروشان تجمع کنند. با خبردار شدن کارفرمایان از اینکه کارگران قصد دارند تجمع کنند به آنها قول داده شد که روز شنبه دستمزدهای آنها را افزایش خواهند داد. اما روز شنبه وعده کارفرمایان مقرر نگردید و بار دیگر کارگران تهدید به تجمع در روز یکشنبه مورخ ۱/۲/۹۲ کردند؛

اما قبل از اینکه کارگران دست به اقدامی عملی بزنند نرخ جدید دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان به قرار زیر ابلاغ گردید: ۰ میل گرد از قرار هر کیلو از ۱۰ تومان به ۱۲ تومان افزایش. تیر آهن ۱۴ تا ۲۰ هر شاخه از ۱۲۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان افزایش. تیر آهن ۲۴ و ۲۷ هر شاخه از ۳۰۰۰ هزار تومان به ۵۰۰۰ هزار تومان افزایش یافت. (لازم به ذکر است که در مغازه های آهن فروشی کارگر بر اساس میزان وزن آهنی که خریداری می خرد مزد دریافت می کند) کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری.

آخرین اخبار از وضعیت غالب حسینی و علی آزادی

۵ اردیبهشت: به گزارش رسیده تاووم بازداشت غالب حسینی و علی آزادی فعالین کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و عدم پاسخگویی مشخص از جانب مسئولین مربوطه نگرانی خانواده ها و دوستان آنان را نسبت به وضعیت نامشخص و همچنین وضعیت سلامتی این فعالین

کارگری تشدید کرده است. لازم به ذکر است که بازجویی این دو فعال کارگری به پایان رسیده و مسئولین اداره اطلاعات از ارجاع پرونده آنان به مراجع قضایی سر باز زده ؛ و از پاسخگویی لازم و قانونی به خانواده های آنان خودداری می نمایند. مسئولین امنیتی با شدیدترین و اهانت آمیزترین وجه ممکن با خانواده ها برخورد نموده و مراجع قضایی، خصوصاً قاضی مربوطه با توجه به هماهنگی اداره ی اطلاعات با آنان مدام خانواده ها را تهدید به بازداشت می نماید؛ و پی گیری خانواده ها نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزان خود را شایسته ی اشد برخورد و مجازات می داند. کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه ی بازداشت غالب حسینی و علی آزادی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این دو فعال کارگری و همچنین سایر کارگران فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

مرگ ۲۶ کارگر در سال گذشته بر اثر حوادث ناشی از کار.

در سنندج، بیش از ۶۰ درصد از سوانح و حوادث مربوط به حوادث ناشی از کار مربوط به بخش ساختمان است. تعداد حوادث ناشی از کار در کردستان طی سال گذشته مجموعاً ۲۳۶ مورد بوده است. براین اساس ۱۳۰ نفر در شهرستان سنندج دچار حوادث ناشی از کار شده اند. در سال گذشته، ۲۶ مورد از حوادث منجر به فوت کارگر شده، ۲۱ مورد نقص عضو و ۱۴ مورد قطع عضو به وجود آمده که ۱۴۹ مورد از صدمات به بخش ساختمان مربوط است.

تعویق ۱۶ ماه حقوق کارگران مجتمع دامداری مهاباد

۷ اردیبهشت: مجتمع دامداری مهاباد از جمله مجموعه های تولیدی بحرآنزده کردستان است که کارگانش با وجود سوابق کار ۱۷ تا ۲۶ ساله، ۱۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند. نماینده کارگران مجتمع دامداری مهاباد می گوید: ۴۳ کارگر این مجتمع دامداری ۱۶ ماه است که به بهانه کمبود منابع مالی حقوق دریافت نکرده اند. او در تشریح

جزئیات مشکلات کارگران این واحد تولیدی، افزود: این معوقات مربوط به پنج ماهه اول سال ۹۰ و ۹۱ به همراه عیدی و پاداش بوده و در سال جاری نیز کارگران هنوز هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. این کارگر اضافه کرد: با واگذاری مجتمع بزرگ دامداری به بخش خصوصی، مشکلات کارگران این واحد تولیدی آغاز شد بطوری که اینک کارفرما بدون توجه به معیشت کارگران و خانواده هایشان از پرداخت ۱۶ ماه حقوق آنان کوتاهی می کند. او با اشاره به سوابق ۱۷ تا ۲۶ ساله کارگران این مجتمع کشتارگاهی اظهار داشت: امنیت شغلی کارگران با افزایش مشکلات این مجتمع کشتارگاهی بیش از پیش به خطر افتاده است به طوری که دو نفر از کارگران با سوابق بیش از ۱۷ سال

بدلیل اعتراض به افزایش مشکلات کارگران، با پایان قرار داد کاری اخراج شده اند. گفتنی است مجتمع دامداری مهاباد وابسته به شرکت غدیر سبز، داری زیر مجموعه های صنعتی همانند هم مرغ، سردخانه زمزم، و کشت صنعت مهاباد است که پس از سال ۸۶ با بروز برخی نوسانات در بازار و آغاز واردات گسترده گوشت، با واگذاری به بخش خصوصی، از نظر تامین منابع مالی با ۲۱۷ کارگر دچار مشکل شد که در نهایت این کارگران به مرور تعدیل و هم اکنون ۴۳ کارگر این مجتمع به علت عدم دریافت ۱۶ ماه حقوق معوقه با مشکلات معیشتی عیدیه ای روبرو شده اند. منبع: ایلنا

اجتماعی:

خودکشی مریوان: ۳۱

فروردین یک زن ۳۳ ساله به نام "شرمین افروشه"، مادر دو فرزند که از شوهر خود جدا شده بود، در پی جدا کردن اجباری فرزندانش از وی اقدام به خودسوزی نمود و به علت شدت جراحات متأسفانه جان خود را از دست داد و قربانی فرهنگ ارتجاعی و زن ستیز گردید.

قتل های ناموسی:

طبق خبر دریافتی، روز جمعه ۶ اردیبهشت ماه یک زن توسط شوهرش در شهرک "پردیس" سنندج به قتل رسید. خبر رسیده حاکی است که این زن بنا به انگیزه تاکنون

و ی در تاریخ ۲۴ خردادماه ۹۱ همراه با تعدادی دیگر از روزنامه نگاران و فعالان دانشجویی توسط اداره اطلاعات مهاباد دستگیر و پس از گذشت بیش از یکماه بازداشت با قرار وثیقه ۸۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شده بود.

روانسر:

دادگاه انقلاب اسلامی در روانسر چهار نفر را به نامهای "هادی آقایی، فواد انگشتان، عادل مرادی و بختیار نظری" را به تحمل حبس تعزیری محکوم نموده است. چهار شهروند روانسری که در زمستان سال گذشته توسط ماموران اداره اطلاعات این شهر دستگیر و به مدت ۲۱ روز تحت بازجویی و بازداشت بودند، که چندی پیش هر کدام با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بودند. گفتنی است که دادگاه انقلاب این شهر هادی آقایی، فواد انگشتان و عادل مرادی را به اتهام "ارتباط با احزاب مخالف رژیم و همچنین استفاده از اینترنت"، هر کدام به ۲۲ ماه و بختیار نظری را به ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم نموده است. شایان ذکر است که حکم این چهار نفر در دادگاه تجدید نظر شهر کرمانشاه هم تأیید شده است.*

FREE THEM NOW



Campaign to Free Jailed Workers in IRAN

کارگر زندانی
آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

عقیم بودن فلسفه متافیزیک و ذوق مردان زنانه پوش

در پاسخ به نوشته حامد خاکی

عبدل گلپریان



به امید روزی که
جنسیت، معیار
ارزش گذاری
انسان
نباشد

In solidarity with the men and women of Marivan
در همبستگی
با زنان
و مردان
مریوان

یک نزاع بخواهد طرف مقابل را بترساند یا تهدید کند می گوید: "اگر نتوانم فلان کار را انجام دهم لباس زنانه به تن می کنم". کسانیکه گوشه ای نشسته اند و پیامهای چند نفر را ناسیونالیستی می خوانند، آنرا سایه بانی برای کل این حمایتها قلمداد می کنند، کسانیکه اقدام حمایت کنندگان و چهار پیام را در کل این اتفاق بدست گرفته و آنرا ناسیونالیستی معرفی می کنند دقیقاً دارند ضد زن بودن ناسیونالیسم را کتمان می کنند و افکار، آراء، افق و برنامه ضد زن ناسیونالیسم را از زیر ضرب کنار می کشند. گویا اکنون هم با حمایتشان و پوشیدن لباس زنانه مدافع زنان شده اند! شما با این خط فکری و با این ادعا که این حمایتها ناسیونالیستی است لطفاً توضیح دهید که از کی تا بحال ناسیونالیسم به مدافع زن تبدیل شده است؟! آن چهار نفر حمایت کننده که می گویند پیامهایشان ناسیونالیستی بوده است آیا قبول دارید که لباس زنانه بر تن کردنشان (حتی اگر به اقدام خودشان هم واقف نباشند) در نقد دیدگاه فکری و ضد زن ناسیونالیسم بوده است یا نه؟! آیا واقعا درک این مسئله ساده، خیلی پیچیده و سخت است؟! نمیتوانید در همان میدیای اجتماعی قدری

با افق و اهدافشان می شود شناخت. نه در ه ل په رکی و نوع رقص محلی و لهجه آواز خواندن در میان مردم. ناسیونالیسم ایدئولوژی و افکار طبقه معینی است که افق و اهدافش در ضدییت با انسان قرار دارد. پوشیدن لباس زنانه توسط همین چهار نمونه که سراسر تحلیل و بررسی ایشان بر آن متکی است و بر ناسیونالیستی خواندن آن اسرار دارد، در واقع و عملاً حرکتشان نقدی بر فرهنگ و سنت ضد زن ناسیونالیسم کرد نیز هست. در جریان واقعه مریوان و حمایت مردان زنانه پوش، جریانات و نیروهای ناسیونالیستی به دیوار تکیه داده بودند و شرمگینانه از دور نظاره گر ماجرا بودند. نگران بودند از اینکه مبادا مورد تعرض ما و چپ جامعه قرار بگیرند. چپ و رادیکالیسم اجتماعی و سرخ پوش در جامعه قدم پیش گذاشت، در خارج کشور کمپین زنان و مردان آنرا حمایت کردند. در سطح دنیا سر و صدا کرد و فرمانده حکومت ضد زن را به عقب نشینی وادار کرد. در سنت و فرهنگ ناسیونالیسم کرد به اندازه اسلام، زن و لباس زنانه تاریخاً تحقیر شده است و همچنان تحقیر می شود. ضرب المثلهای زیادی در فرهنگ ناسیونالیسم کرد هست. در این فرهنگ اگر مردی در

چهار مورد از اظهار نظر حمایت کننده گان رفته است تا ثابت کند که اقدام حمایتی آنها ناسیونالیستی است. ایشان با این خط فکری و برخورد به این مهمترین مسئله اجتماعی روز در این دوره، حرکت حمایت کنندگان از زنان مریوان را دو دستی تقدیم ناسیونالیسم کرد می نماید. با مشاهده همان چهار موردی که خود ایشان به آن اشاره کرده است و برای نشان دادن بی ربطی اش نسبت به کل ماجرا، تنها راهی که پیش پای خودشان گذاشته اند فرار از مهلکه است نه پاسخی سیاسی و اجتماعی از موضع کمونیسم دخالتگر و تاثیر گذار که بتواند حتی آن چند نفر را نیز متوجه اشکال گفته هایشان سازد. نگران و ناراحت است از اینکه

حمایت آن صد نفر مورد ستایش من قرار گرفته است چرا که گفته ام حرکتشان جسورانه بوده است. با تاکید دوباره باید گفت که اقدام حمایت کنندگان مرد در پوشیدن لباس زنانه عمیقاً جسورانه بوده است. حامد خاکی شاید بهتر از من بداند که در قاموس ناسیونالیسم و اسلام به اندازه هم، لباس زنانه در هر فرم و مدلی در هر منطقه و دیاری مترادف است با فحش و ناسزا. ایشان با این مشکل دارد که چرا آنرا الگ نکرده ام و آن چهار مورد را از این صف بیرون نینداخته ام. اقدام چهار نفر در حمایت از زنان سرخپوش مریوان که لباس زنانه بر تن کرده اند و در کنار عکسشان هم چند جمله در مدح لباس کردی و زن کرد نوشته اند قبل از هر چیز عمل شان در تقابل گفته هایشان است. کسی که "ناسیونالیسم" را با پوشیدن لباس کردی، رقصیدن، هلپرکه، لذت بردن از آهنگهای کردی، حرف زدن با زبان و لهجه کردی و نوع غذا یکی بداند، برآستی که "ناسیونالیسم" را خوب فهمیده است!

در نوشته قبلی به این اشاره کرده بودم که ناسیونالیسم را از لباس نمی شود بیرون کشید. ناسیونالیسم افق، آرمان و تفکر معینی است که با لباس مدل غربی زنانه و کت و شلوار و کراوت هم، همان ناسیونالیسم است. جریانات و گرایشات سیاسی معین و شناخته شده در کردستان را

ناسیونالیسم کرد یا هر نوع دیگری از ناسیونالیسم، زن همان جایگاهی را دارد که در قوانین اسلامی دارا است" علاقمندان به خواندن این سه مطلب را رجوع میدهم به وبلاگ شخصی ام. این هم لینک هر سه مطلب.

http://abdolgolparian.blogspot.fi/blog-/۲۰۱۳/۰۴/html.post_۱۸

http://abdolgolparian.blogspot.fi/blog-/۲۰۱۳/۰۴/html.post_۲۲

http://abdolgolparian.blogspot.fi/blog-/۲۰۱۳/۰۴/html.post_۱۳۷۰

پرداختن به این مسئله تنها در همان حد از نظر من قابل نقد و بررسی بود و بعد از آن جای دیگری این دسته از پیامها قد علم نکرد. قدی هم نداشت تا آنرا علم کند. حامد خاکی چهار مورد را با ذره بین کشف کرده است و آنرا همچون لباسی گل و گشاد بر تن حمایت کننده گان زنانه پوش کرده تا بلکه اصل حرکت را حاشیه ای کند. برای دست شستن خود در حمایت از این اقدام ابتدا لازم بود آنرا با این بهانه که ناسیونالیستی است آلوده جلوه دهد تا سپس پوپولیسم را هم از نیرویی که (ما باشیم) به حمایت از آن پرداخت بیرون بکشد و خیال خود را از هر جهت راحت کند. بخشهای زیادی از نوشته ایشان و پاسخ عباس رضایی پرداختن به این مسئله نیست. رفتن به سراغ مسایلی است که قبلاً پاسخ آنها داده شده است. منتها مردان زنانه پوش هم بهانه ای شد تا همچنان حزب کمونیست کارگری مورد حمله این خط قرار گیرد.

ابتدا بگذارید تکلیف این چهار مورد را روشن کنیم بعد به سراغ جنبه های دیگر موضوع خواهیم رفت.

حامد خاکی در میان بیش از ۱۰۰ عکس و پیامهای منتشر شده در کنار آنها از مردان زنانه پوش، با ذره بین و انبر به سراغ

حرکت زنان سرخپوش مریوان و حمایت مردان زنانه پوش از آنها سبب شد تعدادی اندک آنرا ناسیونالیستی ارزیابی کنند. قبلاً در نوشته ای تحت عنوان "بدون سکه!" در ستایش مردان زنانه پوش، پاسخی به این اظهارات داده ام. اما پاسخ من حامد خاکی را نیز نه وادار به پرداختن به اصل موضوع، بلکه ناچار به موضع گیری علیه حزب کمونیست کارگری کرد. قصد من در این نوشته قانع کردن ایشان و کسانیکه تلاش کردند از حمایت مردان زنانه پوش ناسیونالیسم را استخراج کنند نیست بلکه نشان دادن نگرش، خط و امتدی است که بدست اینگونه حرکتها اجتماعی را به خود بی ربط می داند و نسبت به آن بیگانه است.

در هفته گذشته من سه مطلب با عناوین مختلف در این باره نوشته ام و این هم چهارمین مطلب است. در هر کدام از سه مطلب قبلی از زوایای مختلفی به این موضوع اشاره کرده ام. در اولین نوشته که بتاريخ ۱۸ آوریل یعنی تنها سه روز بعد از واقعه مریوان نوشته بودم، به آنچه که "منتقدین" اقدام حمایت کنندگان را ناسیونالیستی می خوانند پرداخته ام. در پایین قسمتی از این نوشته را که به موضوع مورد بحث و نقد من از ناسیونالیسم مربوط است میآورم.

"در مورد لباس زنانه همیقدراضافه کنم که طیفی با اظهار نظرانتان پوشاندن لباس زنانه کردی برتن یک مرد در مریوان را توهین به لباس کردی ارزیابی کرده بودند. این طیف از سرعرق ناسیونالیستی و تقدس لباس کردی، علاقمند بودند همچنان سوراخ دعا را گم شده تصور کنند و بجای تعرض به زن ستیزی حکومت اسلامی به قرب و ارج نهادن به لباس زنانه کردی بچسبند. در یک نوشته از این طیف خواندم که گفته بود "دادگاه جمهوری اسلامی در مریوان به لباس کردی بی احترامی کرده است". اما در سراسر این نوشته و در دفاع از لباس کردی، جایی ندیدم که زن ستیزی این رژیم را مورد تعرض قرار داده باشد. تعجب آورهم نیست چرا که در مخیله

از صفحه ۷ عقیم بودن فلسفه متافیزیک و ...

حاصله کنید و به آنها خاطر نشان سازید که عملکردشان شجاعانه و جسورانه اما پیامشان محدود نگرانه و ناسیونالیستی بوده است. اما بحث بر سر متقاعد ساختن چهار نفر نیست بلکه صحبت از حرکتی اجتماعی است که ابعاد و تاثیرات اجتماعی و ماکرو آن تا به امروز نه تنها چهار نفر بلکه صدها و هزاران انسان را متوجه حقانیت آن ساخته است. واقعه مریوان و حمایت‌های گسترده از آن به اندازه هزاران مطلب و مقاله و به اندازه چندین سال نقد ناسیونالیسم، ناسیونالیسم را حاشیه ای و چپ و آزادیخواهی، انسانیت و برابری طلبی را به جلو برد. که متاسفانه شما قادر به دیدن و درک آن نیستید عجیب هم نباید باشد چرا که بنا به اعتراف خودتان ناسیونالیسم را مدافع زنان دارید معرفی می کنید.

فضای جامعه چپ و رادیکال است. اگر فضای چپ و رادیکال در کردستان عراق نبود طالبانی و بارزانی هم همین مجازات را به نرم در کردستان عراق تبدیل می کردند. اگر دستشان بسته است و نمی توانند این کار را بکنند بخاطر این است که چپ و کمونیسم و سکولاریسم و فرهنگ مدرن و پیشرو میدان را ازشان گرفته است. اگر مردان در حمایت از زنان لباس زنانه به تن می کنند قبل از هر چیز ناشی از تعمیق این سنت و فرهنگ مدرن و متأثر از رادیکالیسم و چپ جامعه است.

حتی اگر لباسها کردی باشند و چهار نفر هم با همان اظهار نظرهای آغشته به فرهنگ و سنت ناسیونالیستی بخوانند نظرشان را مطرح کنند، همین متأثر از فضای رادیکال، پیشرو و برابری طلبانه جامعه است. سوال این است شما چرا اقدام شجاعانه بقیه را تنها بخاطر اظهار نظر چند نفر که عملکردشان هم علیه ناسیونالیسم است تخطئه می کنید؟ شما حتی تحرکی در حمایت از آنانی که بزعم شما عکسها و پیامهایشان ناسیونالیستی هم نبود از خود نشان ندادید؟ و طبق معمول تخطئه کردید و خانه نشینی را موعظه کردید.

نوشته "منتقد" را من بحساب انتقاد از من یا ما نمیدانم بلکه اشتباه فهمیدن کل دنیا را باید در

بازتابی متحد کننده در سطح اجتماعی در دفاع از حقوق برابر زن و مرد به همراه داشت، موفقیتی برای مردان زنانه پوش بود که از آن حمایت کردند و بلاخره منبهد هیچ مجرمی را با این روشهای ضد زن آماج حمله قرار نخواستند داد. این درسهای این دوره از این جدال اجتماعی بود که جنبش زنان، چپ، آزادیخواهی و کل جامعه را به شوق و ذوق آورد متاسفانه تنها فیلسوفان مکتب متافیزیک را ذوق زده نکرد. این هم دست ما نبود خود این خط چنین سرنوشت بی ذوق و عقیم شده ای را برای خود رقم زده است.

"منتقدین" متاسفانه با پوپولیستی خواندن کمپین فعالین این عرصه و ناسیونالیستی خواندن گفته های چند نفر از مردان زنانه پوش آنها برای تخطئه آن، فقط نظاره گر بودند و علیه "پوپولیسمی" که این حرکت را در سطح جهانی مطرح کرد، بجز تکرار مکررات وظیفه ای جز ناسزا گویی به ما برای خود قایل نبودند. حرکت زنان سرخ پوش مریوان، حمایت مردان زنانه پوش و کمپینی که برای جهانی کردن این اعتراض براه افتاد نشان داد که این خط تا مغز استخوان نسبت به رویدادهای اجتماعی که جامعه را به تحرك، هیجان، ذوق، شوق و تعرض علیه ارتجاع و ناسیونالیسم به میدان می آورد بی ربط و بیگانه است.

اینجا اهل جنگیدن در این میدان و میدانهای اجتماعی مشابه نیستند. دآوری و ایفای نقش مبصر و مقصر، رسالت همیشگی این خط بوده است. من فکر می کردم که اینها از این سنت خانه نشینی و منزله طلبی فاصله گرفته اند و امیدوار بودم که به مبارزه بر علیه ارتجاع و رژیم اسلامی می پیوندند. امیدوار بودم که بهانه های بچه گانه و پوچ نیاورند و آستین بالا بزنند که ناسیونالیسم و ارتجاع اسلامی را در سوراخ کنند. با این اوصاف امیدوارم آنچه را که عباس رضایی و حامد خاکی گفته اند و آن خطی را که اینها با توجیهاتشان در ناسیونالیستی خواندن حامیان زنان سرخپوش و برای تخطئه اقدام آنان به نمایش گذاشتند، هیچگاه خط رسمی حزب شان نباشد.

۲۶ آوریل ۲۰۱۳

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز رزم مشترک همه کارگران و رنجبران و استثمارشوندگان جهان است؛ این روز فرصتی است تا یک بار دیگر صف واحد طبقاتی را علیه سود پرستان ستمگر تشکیل دهیم و صدای رسای طبقتی کارگر را به گوش جهانیان برسانیم که: "ما کارگران و زحمتکشان بازوی پر توان و تعیین کننده ی مسیر تاریخ آینده ی جهانیم و بیداد را به هر طریق ممکن به باد فنا خواهیم سپرد و دوش به دوش زنان و مردان کارگر همه ی کشورهای جهان روند فاسد و روبه زوال نظم سرمایه داری را که عامل همه ی بحران های انسانی و اجتماعی است سد خواهیم کرد؛ تا دیگر هیچ مادری برای سیر کردن فرزند خود مجبور به تن فروشی نشود و هیچ پدری برای درمان فرزند بیمار خود به التماس زار نزنند و هیچ کودکی برای سیر کردن خود سطل زباله را زیر و رو نکنند و هیچ کجای طبیعت قربانی سود اقلیت شکمپاره و سیری ناپذیر نگردد."

کارگران و زحمتکشان ایران نیز بیش از یک قرن است که همگام و دوشادوش همه ی رنجبران جهان علیه بیداد طبقه سیرمایداد و نظم سرمایه داریمبارزه می کنند. در مبارزه ی بی امان با این نظام به غایت مرتجع و سرکوب گر پیروزی های بزرگی نیز به دست آورده و از شکست ها نیز تجربه های بزرگانه ی کسب کرده اند که در مبارزه ی آتی چراغ راهشان خواهد بود. درک بحران های ساختار نظم مسلط بر جهان که همه ی ارکانش با خون ستم دیدگان و استثمارشوندگان رنگین شده چندان دشوار نیست. این ساختار که تا کنون به کام اقلیت یک درصدی سرمایه داری بوده با تکانه های بحران های جدی آمادگی فروریزی است. وحدت طبقاتی و همگامی با زحمتکشان جهان، سازمان پذیری و تشکل، جدی ترین سلاح ما علیه این بیداد طبقاتی است با این سلاح است که می توان و باید این ساختار مبتنی بر سود یک درصدی ها را در جهان و ایران به چالش کشید. فعالان و مدافعان

حقوق کارگر در پی آنند که با درک شرایط و توازن قوای طبقاتی خواسته های کارگران و زحمتکشان ایران را در این رزم طبقاتی اعلام کنند و از همه ی باورمندان به برابری و رفع ستم طبقاتی می خواهند که با حمایت از این مبارزه به تعمیق آن یاری رسانند. مبرم ترین این خواسته ها عبارتند از:

۱- پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوق کارگران شاغل در همه بخش های اقتصاد اعم از بخش خصوصی و غیر خصوصی و تعیین حداقل دستمزد بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز و با نظارت فعال تشکل های مستقل کارگری.

۲- تأمین مسکن مناسب برای همه ی حقوق بگیران و تأمین کار برای همه ی بیکاران و همگامی کردن استفاده از مقرری بیمه ی بیکاری برای همه ی بیکاران

۳- واگذاری سازمان تأمین اجتماعی به صاحبان واقعی ادارای آن توسط نمایندگان واقعی کارگران

۴- بیمه کردن همه ی شاغلان و بیکاران و کنترل و نظارت تشکل های صنفی کارگران بر صحت اجرای آن و پرداخت حق بیمه ی کارگران توسط کارفرمایان

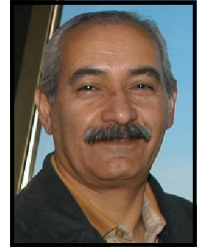
۵- برچیدن بساط نظامیان و عناصر امنیتی از واحدهای تولیدی و مؤسسات اقتصادی و کارگاهها و به رسمیت شناختن تشکل های کارگری و هرگونه اعتراض کارگران برای احقاق حق خود

۶- حذف برنامه ی اصلاح قانون کار از دستور کار مجلس و دولت

۷- لغو مصوبه ی خارج کردن کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار

۸- رفع محدودیت از سندیکاها، اتحادیه های کارگری و هرگونه تشکلی مراسم کارگری ویژه قانونی کردن تعطیلی روز جهانی کارگر به عنوان روز مبارزه ی کارگران علیه ستم طبقاتی

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش هفتم



عبدل کلپریان

مرخصی در مشهد

در آنجا درمان و امان بودم هیچ خطری من را تهدید نمی کرد. هنوز کمتر از یک هفته سپری نشده بود که به اصطلاح در این مرخصی امنیتی بودم، یک شب از طریق نمایشات تلویزیونی رژیم متوجه وخیم شدن اوضاع شدم. در یک نمایش تلویزیونی، فعالین سیاسی جریانات مختلف آندوره از بیچار و کومله و مجاهد گرفته تا بقیه سازمانهای سیاسی را جمعا در حدود سی الی چهل نفر را به تلویزیون آورده بودند. در این برنامه تلویزیونی بود که طیب و مسعود را در ردیف اول دیدم. بعد از دیدن این برنامه خیال بازگشت به محل کار از سرم پرید و میدانستم که با دستگیری طیب و مسعود و حضورشان در تلویزیون دیگر برایم غیر ممکن است به شرکت برگردم چرا که فرض بر این بود که تحت فشارها و شکنجه هایی که در زندان به طیب و مسعود و کسان دیگری که از موقعیت کار تشکیلات در شرکت حمل و نقل مطلع هستند، محل کار و خود من لو خواهیم رفت. مشغله خودم این بود که خود را به یکی دیگر از شهرهای ایران برسانم و در انتظار بمانم که اگر محل کار لو نرفته باشد، مجدداً به تهران برگردم و کارها



تهران شرکت حمل و نقل ۱۳۵۹

از صفحه ۸ بیانیه کانون مدافعان ...

۹- الزام کارفرمایان به پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر و رفع هر گونه تبعیض در محیط کار اعم از تبعیض جنسیتی، تابعیتی، قومیتی، عقیدتی و...
۱۰- حمایت از خانواده های نیازمند و جلوگیری از کار کودکان زیر ۱۸ سال
۱۱- کنترل کارگاه ها و همه محیط های کار در زمینه رعایت بهداشت، ایمنی کار و حمایت از جان کارگران در برابر سود کارفرمایان
۱۲- برخورداری تمامی بازنشستگان و مستمری بگیران از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی
۱۳- آزادی حق اعتصاب برای کارگران و زحمتکشان به معنواصلاح برنده علیه بیداد کارفرمایان صاحب قدرت
۱۴- قطع مسرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، لغو مجازات اعدام، آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان کارگری و دیگر فعالان اجتماع سازان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود در جامعه
۱۵- حذف قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قراردادهای جمعی با

نظارت و مدیریت تشکل های مستقل کارگری
۱۶- واگذاری بنگاه های اقتصادی خصوصی شده به کارگران شاغل در همان واحد اقتصادی و جلوگیری از غارت این واحدها توسط مدیران حریص، آزمند و بی کفایتی که این واحدها را آستانه تعطیلی و ورشکستگی کشانده اند.
۱۷- آزادی بیان و قلم و هر گونه تشکل برای کارگران و فعالان اجتماعی بدون محدودیت
۱۸- رفع قوانین تبعیض آمیز و محدودیت اشتغال و تحصیل برای زنان، کارگران غیر ایرانی، اقلیت های قومیتی و عقیدتی و...
۱۹- حذف هزینه های آموزش و پرورش، آموزش عالی و مهارت آموزی در سطح کشور و نیز حذف هزینه های درمان تمام حقوق بگیران و بیچاران و خانواده هاشان در تمام بیمارستان های اقتصادی مبتنی بر توصیه نهاد های اقتصاد امپریالیستی - بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی - و رفع محرومیت عمومی ناشی از این سیاستها که تا کنون قربانی های بسیاری از جامعه گرفته است.
» پاینده باد اول ماه مه، روز رزم مشترک کارگران جهان«
کانون مدافعان حقوق کارگر

بهترین راه بازگشت به مناطق آزاد در کردستان بود، اما شخصا تمایلی به این بازگشت نداشتم و اهمیت کار در شهرها و در میان مردم و کارگران همچنان مشغله فکرم بود. تمام راهها بسته شده بود و راه گزینی بجز رفتن به مناطق آزاد و فعالیت در میان تشکیلات علنی کومه له وجود نداشت. این را در نظر گرفته بودم که به محض بازگشت به مناطق آزاد، خود را بلافاصله علنی نکنم و در نظر داشتم که با مشورت با رفقای از رهبری آندوره کومه له، بتوانم در تدارک بازگشت به یکی از شهرهای ایران جهت سازماندهی مجدد اقدام کنم. در بخشهای بعدی به این قسمت باز خواهم گشت. تمام این فکر و خیالات را هنگامی که در مشهد بسر می بردم از ذهن عبور می کرد. بعد از حدود ده روز ماندگار شدن در مشهد به همراه دوستم و خانواده اش به منزل او در تهران برگشتم. با امکاناتی که در اختیار داشتم و از طریق تماس با راننده های شرکت فرصت برای انتقال خود و رفقای دیگری که هنوز مخفی بودند فراهم شد. با همفکری و مشورت با ایرج توانستیم در مدت حدود یک ماه رفقای مخفی شده را به مناطق آزاد کردستان انتقال دهیم. یکی از رفقای زن توسط مادرم اعزام شد و او را سالم به منطقه رسانید. جویا شده بودم که منزل شخصی خودم تحت نظر نیست. در یک فرصت مناسب شبانه وسایل منزل را با وانت به محل کار انتقال دادم اما خودم به محل کار نرفتم. اثاثیه به سندنجد منتقل شد. به

کارفرما و صاحب خانه اطلاع دادم که در سندنجد فرش فروشی دایر کرده ام و می خواهم به آنجا برگردم. همه این داستانهای برای آنها طبیعی و واقعی بنظر می رسید و کسی کوچکترین شکی به وضعیت نکرد. بلاخره بعد از انتقال رفقای دیگر که با من تماس می گرفتند، آنان را طی سرویسهای جداگانه تحویل ایرج و دو نفر دیگر از راننده ها که مطمئن بودند می دادم. آنها نیز با استفاده از کامیون خود که از هر وسیله نقلیه دیگری مطمئن تر بود، یکی پس از دیگری این رفقا را به منطقه انتقال می دادند. من هم بعنوان آخرین نفر به همراه ایرج به

سندنجد برگشتم و بعد از یک هفته اقامت مخفی در شهر سندنجد، یک روز صبح زود او با کامیون خودش مرا به روستای ماموخ که مابین جاده سندنجد دیواندره بود رساند. از طرفی فرهاد برادر ایرج که همسر خواهرم بود و چنانکه پیشتر اشاره کردم از رفقای دوران نو جوانی و دوران شروع فعالیت های سیاسی ام بود، همان روز در سندنجد و در محل کارش سر کلاس درس دستگیر شد.

اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد تهران به مناسب اول ماه مه روز جهانی کارگر

فعالان حقوق کارگری و لغو قراردادهای سفید امضاء و موقت کارگری.

- تجدید نظر در حداقل دستمزد سال ۹۲ متناسب با گرانی کمر شکن و تورم روز افزون ، و تامین معاش خانواده در حد استانداردهای یک زندگی انسانی متناسب با نیازهای خوراک پوشاک، مسکن بهداشت و آموزش و پرورش.

- جلوگیری از کار کودکان به ویژه در امور خدمات جمع آوری و بازیافت زباله توسط باندهای خلاف کار و سازمانهای خدماتی شهرداری که روز بروز در حال گسترش است.

- پایان بخشیدن به تمامی بی عدالتی های مخالف حقوق انسانی و اجرای بی کم و کاست حقوق مردمی که از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی و جوامع حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و رعایت آنها از وظایف حکومتگران می باشد.

در پایان یادآور می شود سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود می داند که در صورت عدم رسیدگی عادلانه به خواست هایش توسط مسئولان داخل کشور با همکاری سندیکاهای اتحادیه های جهانی و به استناد حقوق بین المللی کارگری شکایت های خود را در نشست سالانه سازمان جهانی کار مطرح و از طریق ارگان های این سازمان پی گیری و احقاق حق نماید.

با آرزوی گسترش عدالت آزادی و صلح جهانی
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
اردیبهشت ۹۲

ادعاهای گوش خراش مسئولان در حمایت از کارگر و همچنین همگانی نبودن تعطیلی روز جهانی کارگر، تا کنون بزرگداشتی شایسته ی مقام میلیونها کارگر و زحمت کش ایرانی در اول ماه مه برگزار نشده است. البته با وجود همه ی این مشکلات و موانع گوناگون سندیکای کارگران شرکت واحد همواره با سخت کوشی و همدلی و اتحاد و پذیرش خطرات به سهم خود این روز را گرامی داشته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد همانند دیگر سندیکا های کارگری جهان که خواسته ها و اعتراضات خود را در چنین روزی اعلام می کنند بخشی از مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام می نماید.

- آزادی فوری و بی قید شرط آقای رضا شهابی راننده زحمت کش شرکت واحد و عضو هیئت مدیره سندیکا از زندان و درمان وی تا سلامتی کامل و بازگشت بکار و پرداخت همه ی حق و حقوق معوقه ایشان از تاریخ بازداشت.

- بازگشت بکار فوری رانندگان زحمت کش شرکت واحد آقایان حسن سعیدی ، وحید فریدونی ناصر محرم زاده، که به علت پی گیری حقوق همکاران خود در سال گذشته با پرونده سازی و اعمال روش های غیر قانونی از کار معلق شده و هم اکنون در شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.

- رعایت شان و منزلت انسانی کارگران و پایان بخشیدن به رفتارهای غیر قانونی پلیسی امنیتی علیه فعالیت سندیکائی کارگران و آزادی همه ی زندانیان مدافع و فعال حقوق کارگری.

- تامین امنیت شغلی و جلوگیری از اخراج کارگران به ویژه



زنده باد جنبش اول ماه مه، زنده باد جنبش دادخواهی کارگری اول ماه مه، روز جهانی کارگر، که به پاسداشت یاد و خاطره تابناک کارگرانی که در حمله پلیس شیکاگو به تظاهرات حق طلبانه کارگری حدود یکصد و بیست سال پیش کشته شدند، و از این روی از سوی اتحادیه ها و سازمان های جهانی کارگری آن دوران به عنوان نماد اتحاد و همستگی جنبش گسترده و دیر پای دادخواهی کارگران جهان پایه گذاری شده است. بر همه ی کارگران وزحمتکشان و همکاران شریف گرامی باد.

به مناسبت روز جهانی کارگر سندیکا ها و اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف تلاش میکنند توجه وسیع افکار عمومی و رسانه ها را به دادخواهی کارگری افزایش داده و بر خلاف مراسم تبلیغاتی حکومتی و دولتی بی عدالتی های اجتماعی را افشاء و به صورت اعتصاب، راه پیمایی، تجمع اعتراضی، گرد همایی سرود خوانی، اطلاعیه و دیگر روش ها، اعتراضات خود را اعلام و حقوق خود را طلب می نمایند. در همین این راستا از عموم کارگران ایران دعوت می شود سازمانهای سندیکائی خود را ایجاد و در چنین روزهایی اعتراضات و خواست های خود را به مسئولان اعلام نمایند.

با اینکه تاریخ بزرگداشت اول ماه مه در ایران حدود صد سال سابقه دارد، اما متأسفانه به علت سرکوب های پلیسی، امنیتی و کارشکنی های دولتی و بر خلاف

خوراكت اشكنه گردد به زحمت!

شنیدم گفت مش باقر به الیاس که شصت درصد گران شد نرخ اجناس بکن آن نرخ قبلی را فراموش تورم را بگیر اینک به آغوش تورم آن چنان خردت نماید که بدبختی زچشمانت درآید نبینی گوشت دیگر در خیالت دل سنگ آب می گردد به حالت اگر خواهد دلت چند قطره روغن گذر باید کنی از چشم سوزن برای خودرو، آن پولی که داری کفافت می دهد بر خر سواری چنان مسکن به اوج خود رسد باز که نقشش در خیالت نم کشد باز زقطع ارز کالای اساسی نداری حق شرح ناسپاسی صدافزون گر کنی هوش و نبوغت محال است سر کنی با این حقوقت اگر مفتوح گردد بر تو رحمت خوراكت اشكنه گردد به زحمت برنج و میوه و كل حبوبات رود در چرخه علم نجومات اگر گاهی دو شیش آری به هر تاس خوری يك وعده نان و دوغ و کالباس خلاصه آن چنان بختت بگردد که اسبت در طویله، خر بگردد! بکن آسودگی از خاطرت پاک به رویش با غلطگیری بز لاک در این آشتبازار گرانی زرنکی گرتوانی زنده مانی مراقب باش که گر بیمار گردی ز خرجش از شفا بیزار گردی اگر خوشدل بر این یارانه هستی شنو، رک گویمت دیوانه هستی اگر خوشدل به امید بهاری بدان با کشت جو، گندم نداری

در آخر گفت با طعنه به الیاس که بختت می درخشد همچو الماس ولی الیاس بود آن گونه خاموش که گویی کر بود یا این که مدهوش پس از آهی شررزا همچو آذر جوابش را شنو در بیت آخر: چنان پوستم دگر زبر و کلفت است که اشعارت برابم حرف مفت است!

نویسنده: سید حمیدرضا خوشدل



تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!